**فهرست مطالب**

[خطبه اول 2](#_Toc426630728)

[اوصاف قرآن در قرآن 2](#_Toc426630729)

[1. عزیـز 2](#_Toc426630730)

[2. کتاب: 3](#_Toc426630731)

[3. حدیث و احسن الحدیث: 3](#_Toc426630732)

[4. کلام الله و کلمات الله: 4](#_Toc426630733)

[5. قرآن: 4](#_Toc426630734)

[6. تنزیل و منزّل : 5](#_Toc426630735)

[7. آیات: 5](#_Toc426630736)

[8. ذکر، ذکری، تذکره: 5](#_Toc426630737)

[9. شفاء: 6](#_Toc426630738)

[10. موعظه: 6](#_Toc426630739)

[11. علــی 6](#_Toc426630740)

[12. بشیر، بشری، نذیر، عذر و نذر: 6](#_Toc426630741)

[توجه به قرآن در عصر جدید 7](#_Toc426630742)

[دعا 8](#_Toc426630743)

[خطبه دوم 8](#_Toc426630744)

[کمک کردن به فقرا و مستمندان 8](#_Toc426630745)

[مسئله تعاون 10](#_Toc426630746)

[دعا 10](#_Toc426630747)

## خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم نحمده علی ما کان و نستعینه من امرنا علی ما یکون و نؤمن به و نتوکل علیه و نستغفره و نستهدیه و نعوذ به من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا و نصلی و نسلم علی سیدنا و نبینا العبد المؤید والرسول المسدد المصطفی الأمجد ابی‌القاسم محمد (ص) و علی امیرالمؤمنین و علی صدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی ائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر (عج) ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و امناء الرحمان و سلالة النبیین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین صلواتک علیهم اجمعین** . **اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[1]](#footnote-1)** **عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خیر الزاد التقوی.**

**اوصاف قرآن در قرآن**

قرآن به‌عنوان آخرین سند رسالت الهی و کتاب آسمانی و جامع‌ترین نسخه هدایت و شفا بشر در خود قرآن معرفی‌شده است. در قرآن مجید بیش از چهل عنوان مستقل به این کتاب گران‌مایه اطلاق شده مقصود از عناوین مستقل واژه‌هایی هستند که به‌خودی‌خود و بدون آن‌که صفت واژهٔ دیگری قرار گیرند، بر قرآن اطلاق شده است:

## 1. عزیـز

صفت عزیز در قرآن معمولاً به خداوند اطلاق شده و بیشتر همراه باصفت دیگری از خداوند مانند حکیم، قوی، ذوانتقام، غفار، رحیم، حمید و غفور آمده است و در این مورد عزیز به معنای صاحب قدرت قاهره‌ای است که هیچ قدرتی نمی‌تواند او را مقهور سازد.
اما اطلاق صفت عزیز به قرآن فقط در یک مورد از آیات قرآنی آمده است:

«**إِنَّهُ لَکتَابٌ عَزِیزٌ لَا یأْتِیهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَینِ یدَیهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِیلٌ مِنْ حَکیمٍ حَمِیدٍ**»[[2]](#footnote-2) و همانا آن کتاب عزیزی است که نه از مقابل و نه از پشت سر باطل نمی‌تواند به او راه یابد فرستاده‌شده از جانب خداوند حکیم و حمید است.

عزیز بودن قرآن به خاطر قدرت منطق و استدلال واتقان و استحکام معارف آن است که هیچ‌گاه مقهور و مغلوب واقع نمی‌شود. البته می‌توانیم معنای دیگر واژه عزیز را هم لحاظ کنیم. یکی از معانی عزیز چیز کمیاب نادرالوجودی است که به دست آوردن آن سخت و دشوار باشد. اطلاق عزیز به قرآن می‌تواند از همین مقوله باشد.

## 2. کتاب:

 کتاب در کاربرد رایج آن به معنای نوشتن و نیز نوشته به کار می‌رود و منظور خداوند از واژهٔ کتاب در مورد قرآن، معنای اخیر (نوشته) است. دلیل اطلاق آن بر قرآن را بعضی به اعتبار اینکه شأن قرآن به‌گونه‌ای است که نوشتنی است، و یا اینکه در لوح محفوظ نوشته‌شده است، دانسته‌اند. و برخی به اعتبار معنای اصلی کتاب که به معنای گردآوردن است، و در قرآن نیز چون انواع داستان‌ها و نشانه‌ها و احکام به طرق ویژه‌ای گردآمده است، به این اعتبار دانسته‌اند.

## 3. حدیث و احسن الحدیث:

 اطلاق صفت حدیث به قرآن در آیات متعددی آمده که از آن جمله است:

«**فَلَعَلَّک بَاخِعٌ نَفْسَک عَلَی آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ یؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِیثِ أَسَفًا**»[[3]](#footnote-3) نزدیک است که‌ای پیامبر از شدت تأسف جان خود را به دنبال آنان هلاک کنی از اینکه آنان به این حدیث ایمان نمی‌آورند.

«**فَذَرْنِی وَمَنْ یکذِّبُ بِهَذَا الْحَدِیثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیثُ لَا یعْلَمُونَ**»[[4]](#footnote-4) کیفر کسانی را که این حدیث را تکذیب می‌کنند به من واگذار کن، به‌زودی آنان را از جایی که نمی‌دانند، عذاب خواهیم کرد.

در آیه‌ای که ذیلاً می‌خوانیم قرآن نه‌تنها حدیث بلکه احسن الحدیث و زیباترین سخن نو معرفی‌شده است که بیانگر مجد و عظمت قرآن است:

**«اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِیثِ کتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِی تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِینَ یخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِینُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَی ذِکرِ اللَّهِ ذَلِک هُدَی اللَّهِ یهْدِی بِهِ مَنْ یشَاءُ وَمَنْ یضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ**»[[5]](#footnote-5)

خداوند قرآن را که نیکوترین سخن است نازل کرد، کتابی که آیاتش باهم مشابهت دارد و دوتادوتا است که از تلاوت آن لرزه بر اندام خداترسان می‌افتد، سپس آرامش می‌یابند و به ذکر خدا می‌پردازند. در این آیه، قرآن به‌عنوان زیباترین سخنی معرفی‌شده که خاصیت عجیبی دارد به‌گونه‌ای که در دل‌های مؤمنان نفوذ می‌کند و آن‌ها را دچار هیجان و احساسات می‌سازد و سپس به آنان آرامش و اطمینان می‌بخشد.

## 4. کلام‌الله و کلمات الله:

معنای این دو صفت یا اسم نیز، روشن است. در چند آیه از قرآن عنوان کلام‌الله و کلمات الله به آیات قرآنی اطلاق شده است:

«**وَاتْلُ مَا أُوحِی إِلَیک مِنْ کتَابِ رَبِّک لَا مُبَدِّلَ لِکلِمَاتِهِ**»[[6]](#footnote-6)

وتلاوت کن آنچه بر تو وحی شده از کتاب پروردگارت تغییر دهنده ای برای کلمات خدا نیست.

«**وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِکینَ اسْتَجَارَک فَأَجِرْهُ حَتَّی یسْمَعَ کلَامَ اللَّهِ**»[[7]](#footnote-7)

و اگر یکی از مشرکین از تو پناه بخواهد به او پناه بده تا کلام‌الله را بشنود.

## 5. قرآن:

«**شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدًی لِلنَّاسِ وَبَینَاتٍ مِنَ الْهُدَی وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْکمُ الشَّهْرَ فَلْیصُمْهُ وَمَنْ کانَ مَرِیضًا أَوْ عَلَی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَیامٍ أُخَرَ یرِیدُ اللَّهُ بِکمُ الْیسْرَ وَلَا یرِیدُ بِکمُ الْعُسْرَ وَلِتُکمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُکبِّرُوا اللَّهَ عَلَی مَا هَدَاکمْ وَلَعَلَّکمْ تَشْکرُونَ**»[[8]](#footnote-8)

قرآن در لغت به معنای خواندن است. این واژه در آغاز به‌صورت وصف در مورد این کتاب آسمانی به‌کاررفته، ولی تدریجاً جنبهٔ عَلَمیت پیدا کرده است. ظاهراً در اطلاق کلمهٔ قرآن بر این کتاب، عنایتی جز اینکه الفاظی است خواندنی، منظور نیست.

## 6. تنزیل و منزّل:

«**وَإِنَّهُ لَتَنْزِیلُ رَبِّ الْعَالَمِینَ**»[[9]](#footnote-9)

«**وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِینَ**»[[10]](#footnote-10)

تنزیل و منزّل به معنی نازل شده است؛ و این وصف به دلیل این است که قرآن از طرف خداوند متعال بر قلب پیامبر اکرم ـ صلی الله علیه و آله و سلم ـ نازل شده، و در واقع از مقام علم الهی به مرحلهٔ الفاظ و مفاهیم بشری تنزّل یافته است.

## 7. آیات:

«**ذَلِک نَتْلُوهُ عَلَیک مِنَ الْآیاتِ وَالذِّکرِ الْحَکیمِ**»[[11]](#footnote-11)

آیات جمع آیه، به معنای نشانه و علامت روشن و گویا است؛ و آیات الهی اموری هستند که به وجود آفریدگار، قدرت، حکمت، عظمت و سایر صفات علیای او گواهی می‌دهند؛ و ازاین‌رو در مورد همهٔ آفریدگان، قابل‌استعمال است. و قرآن کریم نیز یکی از نشانه‌های عظیم الهی است و به لحاظ قطعات و جملاتش، آیات الله به‌صورت جمع بر آن اطلاق شده است.

## 8. ذکر، ذکری، تذکره:

«**أُولَئِک الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُکمْ عَلَیهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکرَی لِلْعَالَمِینَ**»[[12]](#footnote-12) ذکر به معنای یاد کردن و به یاد داشتن است؛ و همچنین بر چیزی که موجب یادآوری و عبرت و پند گرفتن شود، نیز اطلاق می‌گردد. (ذکری و تذکره) نیز از همین ماده و به معنای یادبود و یادآوری است. اطلاق ذکر بر قرآن یا به این مناسبت است که مردم را به یاد خدا، یا همهٔ آنچه را که باید به یادداشت، می‌اندازد. و یا به لحاظ یادآوری و نقل داستان پیشینیان و مواعظ و اندرزهای آنان است.

## 9. شفاء:

«**یا أَیهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْکمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّکمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِی الصُّدُورِ وَهُدًی وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ**»[[13]](#footnote-13) اطلاق شفاء بر قرآن مجید به لحاظ درمان کردن بیماری‌های معنوی انسان می‌باشد.

## 10. موعظه:

«**هَذَا بَیانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًی وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِینَ**»[[14]](#footnote-14) موعظه در حقیقت عبارت است از چیزی که موجب رقّت و نرمی دل می‌شود، آن را به‌سوی خدا و پذیرفتن حق مایل ساخته، از سرکشی و عصیان بازمی‌دارد.

## 11. علــی

صفت علی که از علو مشتق شده ازجمله آن گروه از صفات قرآن است که ناظر به بعد عظمت و قداست آن می‌باشد وبرتری قرآن وعلومرتبه آن را نسبت به دیگر کتاب‌های آسمانی بیان می‌کند. علومرتبه قرآن چیزی است که در مخزن علم الهی وام الکتاب ثبت‌شده است.

**«إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِیا لَعَلَّکمْ تَعْقِلُونَ وَإِنَّهُ فِی أُمِّ الْکتَابِ لَدَینَا لَعَلِی حَکیمٌ**»[[15]](#footnote-15) همانا ما آن را قرآن عربی قراردادیم تا شما اندیشه کنید و همانا قرآن در ام الکتاب نزد ما بلندپایه و استوار است.

## 12. بشیر، بشری، نذیر، عذر و نذر:

«**بَشِیرًا وَنَذِیرًا فَأَعْرَضَ أَکثَرُهُمْ فَهُمْ لَا یسْمَعُونَ»[[16]](#footnote-16)**

**«وَمِنْ قَبْلِهِ کتَابُ مُوسَی إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا کتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِیا لِینْذِرَ الَّذِینَ ظَلَمُوا وَبُشْرَی لِلْمُحْسِنِینَ**»[[17]](#footnote-17)

بشری به معنای مژده و خبر شادی‌بخش است، و آورندهٔ آن را بشیر گویند. و انذار خبر دادن از چیز ترس‌آوری است که بتوان از آن تحفّظ و خود نگه‌داری کرد. نذیر به معنای انذار و نیز به معنای منذر (بیم دهنده) استعمال می‌شود. و نُذر نیز مصدر و به معنای انذار است. اطلاق بشیر و نذیر بر قرآن به این لحاظ است که مشتمل بر خبرهای شاد کننده، و خبرهای ترس‌آور است. عذر مصدر است و به معنی عذر آوردن و معذور داشتن آمده است. مقصود از اطلاق عذر بر قرآن آن است که خداوند با فرو فرستادن قرآن اتمام حجّت می‌کند. یا برای بندگان باایمان خویش عذری قرار داده که با عمل به آن در پیشگاه خداوند معذور خواهند بود.

قرآن ذکر است به دلیل «**نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکرَ»**[[18]](#footnote-18) و اگر به آن بی‌اعتنائی شود زندگی نکبت‌بار به سراغ ما خواهد آمد.

«**وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِکرِی فَإِنَّ لَهُ مَعِیشَةً ضَنکا**»[[19]](#footnote-19)

## توجه به قرآن در عصر جدید

امروز در سایه انقلاب اسلامی درهای دانشگاه به‌سوی تفسیر بازشده است و مقام معظم رهبری در نامه به جوانان آمریکا و اروپا فرمود برای شناخت اسلام به‌جای رسانه‌ها از خود قرآن بهره گیرند وظیفه حوزه‌ها آن است که طلاب جوان را با قرآن و روش تفسیر صحیح و جامع آشنا نمایند تا رضیه و استفاده ناقص را از دیگران بگیرند.

چه عالم نماهایی در دنیا به مردم گفتند که اطاعت از اولی الامر به دستور قرآن واجب است و اولوالأمر را با بنی‌امیه‌ها و بنی‌عباس‌ها و امروز به آل سعود و آل خلیفه و امراء و پادشاهان تطبیق و مردم را اسیر این مفسدین کردند. که اگر ما در تفسیر اولوالأمر نگاه جامعی داشته باشیم که قرآن در کنار اطاعت از اولوالأمر در آیات دیگری اطاعت از افراد گناهکار، کفور، مسرف، مهین، مفسد، بدسابقه، غافل، هوس‌باز، افراطی، جاهل و… را نهی کرده هرگز مسیر رشد انسان از ولایت اولیاء خدا به پذیرش ولایت طاغوت‌ها تبدیل نمی‌شود.

## دعا

خدایا تو را به قرآن سوگند می‌دهیم ما را قرآنی زنده بدار. ما را قرآنی بمیران. ما را با قرآن محشور گردان. ما را مشمول شفاعت قرآن قرار بده.

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِنَّا أَعْطَینَاک الْکوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّک وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَک هُوَ الْأَبْتَرُ[[20]](#footnote-20)**

## خطبه دوم

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[21]](#footnote-21) ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسَیُّما مولانا علی بن ابیطالب و علی الصدیقة الطاهرة فاطمة الزهراء و علی الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة و علی الائمة المسلمین علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد والحسن بن علی و الخلف القائم المنتظر حجک علی عبادک و أمنائک فی بلادک ساسة العباد و ارکان البلاد و ابواب الایمان و أمناء الرحمن و سلالة النبین و صفوة المرسلین و عترة خیرة رب العالمین . اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[22]](#footnote-22) . عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی الله وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَزوا عِبادَالله فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَحیل وَ تَزَوَدوا فَإِنَّ خیر الزاد التقوی.**

## کمک کردن به فقرا و مستمندان

یکی از کارهای بسیار مهم زندگی مؤمن که مورد تأکید خدا و رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و ائمّه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) است که همیشه باید در لیست برنامه‌های ضروری او باشد، مسئلهٔ برآوردن حاجات مؤمنین و گره‌گشایی از زندگی آن‌هاست. اهمیت این موضوع در حدّی است که پی بردن به آن از حد ظرفیت عقل آدمی خارج است.

در حدیثی از پیامبر عزیز اسلام (صلی‌الله علیه و آله) واردشده است که حضرت فرمود: هر کس دل مؤمنی را شاد کند، مرا شاد نموده و هر که مرا شاد نماید خدا را شاد نموده است. برابری شاد نمودن دل مؤمن با شادی خدا چیزی نیست که ما باعقل قاصر خود بتوانیم آن را درک نماییم. بین مردم جامعه، آن قشر که از همه نیازمندتر و کمک‌رسانی به آن‌ها بر همه لازم و ضروری است، فقرا جامعه هستند.

خداوند بی‌همتا در کلام نورانی خود به‌کرات مؤمنین را به انفاق و کمک‌رسانی به فقرا و مستمندان سفارش فرموده است. از باب نمونه به یکی از آیات نورانی قرآن کریم در این زمینه اشاره می‌نمایم: خداوند مهربان در سورهٔ مبارکه بقره دربیانی بسیار لطیف و زیبا می‌فرماید: «**یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ أَنفِقُواْ مِن طَیبَاتِ مَا کسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَکم مِّنَ الأَرْضِ**»[[23]](#footnote-23) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بهترین چیزهایی که به دست آورده‌اید و ازآنچه از زمین برایتان بیرون آورده‌ایم، انفاق نمایید.

این سفارشات نورانی از ناحیه آن قدرت بی‌مثال، بیانگر اهمیت فوق‌العاده مسئله کمک‌رسانی به فقرا و تنگدستان است.

 و لذا بر مؤمنین خداباور است که در این جهت از خود ذرّه‌ای تعلّل و سستی نشان نداده و با گوش جان به سخنان دلربای حضرت حق گوش فرا دهند، تا در مقابل از آثار مفید و برکات مادی و معنوی آن بهرهٔ کافی و وافی را برده باشند.

این ما هستیم که باید این قشر آسیب‌پذیر جامعه را از مرداب فساد و فحشا نجات دهیم، تا در سیل ویرانگر فقر و نداری غرق نشوند. اسلام برای درمان این درد اجتماعی، راه‌حل بسیار مفید و کارآمدی را پیشنهاد می‌دهد و آن اینکه سطح زندگی مردم جامعه ازنظر اقتصادی باهم یکسان و برابر شود تا فقرا نیز بتوانند همانند سایر اقشار جامعه نیازهای خود را به‌آسانی تأمین نمایند و این نمی‌شود مگر از طریق کمک‌های مالی (از قبیل خمس، زکات، صدقه و ...) البته ناگفته نماند، اگر ثروتمندان جامعه، بخشی از سرمایه خود را به سروسامان بخشیدن به زندگی فقرا و نیازمندان اختصاص دهند، علاوه بر اینکه از پاداش‌های بسیار ارزشمند معنوی بهره‌مند می‌شوند به حفظ ثروت خود نیز کمک نموده و جلوی بسیاری از ناامنی‌های اجتماعی را خواهند گرفت و در حقیقت مال و دارایی خود را تا حد قابل‌توجه ای از خطرات بیمه کرده‌اند، زیرا افراد خلاف‌کار اگر ازلحاظ اقتصادی تأمین شوند دست از خلاف برمی‌دارند.

گذشته از مشکلات فراوانی که بر عدم دستگیری از فقرا و مستمندان مترتب می‌شود، ما هرکسی را به وجدان انسانی‌اش ارجاع می‌دهیم، آیا وجدان انسانی در ما می‌پذیرد که هرروز شاهد نالهٔ جان‌سوز فقیر و اشک‌های مظلومانه و آه جگرسوز اوباشیم و چون موجودی بی‌احساس تنها نظاره‌گر این صحنه‌های غم‌انگیز باشیم این دور از انصاف است که ما از انواع وسایل آسایش و رفاه برخوردار باشیم و عدّه‌ای در اثر تنگدستی حتّی از ساده‌ترین لوازم زندگی (خوراک، پوشاک، فرش و ...) بی‌بهره باشند. آیا احساس و عواطف انسانی به آدمی اجازه می‌دهد که در زندگی همواره از غذاهای مطبوع و لذیذ و میوه‌های شیرین و آبدار میل نماید درحالی‌که عدّه‌ای از همنوعان ما در اثر فقر و نداری حتی از تهیه یک غذای ساده عاجز و ناتوان باشند و در اثر گرسنگی از شب تا به صبح در تب گرسنگی بسوزند بی‌آنکه لحظه‌ای چشم بر هم نهاده و از نعمت شیرین خواب بهره‌مند شوند.

پس بیاییم وجدان خفته خود را از خواب غفلت بیدار نماییم و در مقابل قشر محروم جامعه احساس مسئولیت نموده و درصدد حل مشکلات آن‌ها برآییم**.**

## مسئله تعاون

تعاونی‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مردمی هستند که در عین برخورداری از خصوصیات و مشخصات یک واحد اقتصادی و تجاری، دارای ارزش‌ها و هنجارهای مکتبی و اجتماعی هم می‌باشند و می‌توانند مبین تلاش‌های دسته‌جمعی و گروهی اعضای تشکیل‌دهندهٔ تعاونی برای نیل به اهداف مشترک و پیشرفت و توسعه باشد.

در ایران به علت شرایط خاص و بحرانی و مشکلاتی که وجود دارد لزوم همکاری و خودیاری تمام افراد جامعه در اموری که مربوط به خود آنان می‌باشد می‌تواند راه‌حل و چاره‌ساز بسیاری از مشکلات و موانع باشد. روحیهٔ تعاون و می‌تواند مردم را در برابر سختی‌ها درصحنه نگه دارد و ارادهٔ آنان را در اموری که مربوط به خود آنان است عینیت بخشد. تعاون و همکاری متقابل زمینه‌های یگانگی و وحدت و یکپارچگی هر چه بیشتر مردم را فراهم می‌کند.

## دعا

**نسئلک اللهم و ندعوک بسمک العظیم الاعظم الاعز الاجل الاکرم یا الله و... یاارحم الرحمین. اللهم ارزقنی توفیق الطاعة و بعدالمعصیة و صدقة النیّة و عرفان الحرمة اللهم انصر الاسلام و اهله واخذل الکفر واهله.**

خدایا تو را به اولیاء الهی سوگند می‌دهیم که ما را از درک کنندگان شب قدر، مقدّر بفرما. ما را از فیوضات شب‌های قدر بهره‌مند بفرما. گناهان ما را ببخش. توبه ما را در این ماه شریف بپذیر. اموات و درگذشتگان ما را ببخش و بیامرز. ارواح تابناک شهدا با اولیای خودت محشور بفرما و....

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یلِدْ وَلَمْ یولَدْ وَلَمْ یکنْ لَهُ کفُوًا أَحَدٌ[[24]](#footnote-24)**

1. . آل‌عمران 102. [↑](#footnote-ref-1)
2. . فصلت، 41 و 42. [↑](#footnote-ref-2)
3. . کهف، 6. [↑](#footnote-ref-3)
4. . قلم، 44. [↑](#footnote-ref-4)
5. [↑](#footnote-ref-5)
6. . کهف، 27. [↑](#footnote-ref-6)
7. . توبه، 6. [↑](#footnote-ref-7)
8. . بقره آیه185. [↑](#footnote-ref-8)
9. . شعراء،آیه 192. [↑](#footnote-ref-9)
10. . شعراء،آیه 114. [↑](#footnote-ref-10)
11. . آل عمران،آیه 58. [↑](#footnote-ref-11)
12. . انعام، 90. [↑](#footnote-ref-12)
13. . یونس 57. [↑](#footnote-ref-13)
14. . آل‌عمران 138. [↑](#footnote-ref-14)
15. . سوره زخرف آیه 4. [↑](#footnote-ref-15)
16. . فصلت، آیه4. [↑](#footnote-ref-16)
17. . احقاف، آیه 12. [↑](#footnote-ref-17)
18. . حجر، آیه 9. [↑](#footnote-ref-18)
19. . طه، آیه 124. [↑](#footnote-ref-19)
20. . سوره الکوثر. [↑](#footnote-ref-20)
21. . اعراف آیه 43. [↑](#footnote-ref-21)
22. . حشر، آیه 18. [↑](#footnote-ref-22)
23. . بقره، آیه 267. [↑](#footnote-ref-23)
24. . سوره اخلاص. [↑](#footnote-ref-24)